

تحلیل عملیات استشهادی در فقه سیاسی شیعه

سیدعلی اصغر علوی^۱

چکیده

فرایند عملیات استشهادی در عرصه فقه و سیاست دفاعی یکی از مؤلفه‌های چالشی بوده و با توجه به ویژگی‌های این نوع عملیات که عمدتاً در راستای دفاع از کیان اسلام و کنترل دشمن رخ می‌دهد، از اقدامات دفاعی محسوب می‌شود، با این حال، برخی مقوله عملیات استشهادی را غیر مشروع دانسته و با انتحار یکسان می‌دانند. پژوهش حاضر درصدد تبیین مستندات فقهی این نوع عملیات در چارچوب فقه سیاسی است. (مسئله)؛ روش مقاله توصیفی و تحلیلی است. (روش)؛ براساس یافته‌های این مقاله، عملیات استشهادی به مثابه مقاومت قهرمانانه، از یکسو از پشتوانه عام برخوردار است، مانند: حفظ نظام اسلامی و دفاع از کشور در برابر تهاجمات، و از سوی دیگر مستندات خاصی از آیات و روایات دارد که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، همچنین با تأکید بر دیدگاه فقیهان عناوین مهم، مهم و اضطرار و ضرورت به عنوان پشتوانه استشهاد، تبیین شده است، توجه به این مسئله در عرصه امور دفاعی و فعالیت‌های جبهه مقاومت در فلسطین و رزمندگان اسلام در سایر کشورهای اسلامی، با افتراض انطباق آن با قواعد شریعت و ضوابط شرعی، راهگشا خواهد بود. (یافته‌ها)

واژگان کلیدی: فقه سیاسی، عملیات استشهادی، مقاومت، انتحار، کیان اسلام، دفاع.

۱. سطح ۴، گروه فقه و اصول، حوزه علمیه قم، قم، ایران.

۱. مقدمه

بدون تردید یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های پیروزی مکتب سیاسی اسلام در رسیدن به غایات شریعت و اهداف متعالی خویش، و ایجاد تحول و بیداری در ملت‌ها در طول سده‌های متمادی، «فرهنگ مقاومت، ایثار و شهادت» است، و در واقع در هر مکتبی که در آن فرهنگ شهادت و مقاومت، مورد عنایت باشد، شکست مفهومی نخواهد داشت. (ورعی، ۱۳۸۲: ص ۳۱۶)

استشهاد یکی از مباحث مهم و چالش برانگیز در عرصه فقه سیاسی بوده و تبیین مباحث مرتبط با آن بر عهده فقه است، این مسئله برای گروه‌ها و نظام‌های سیاسی اهمیت ویژه‌ای دارد چراکه گره‌گشایی و کارایی قابل توجهی در بحث دفاع دارد، البته عملیات استشهدادی در آثار کهن فقهی مستقلاً مورد عنایت قرار نگرفته است؛ لکن می‌توان به نحوی تحت عناوین؛ دفاع از کشور اسلامی، تکرّس، ضرورت و اضطرار جای داد. به دیگر سخن؛ در دو ساحت (دفاعی - ضرورت و اضطرار) قابل تحقیق و بررسی است. اما از نظر دفاعی شاید بتوان گفت مقوله عملیات استشهدادی از لحاظ تاکتیکی یکی از مؤثرترین روش‌های نبرد، در راستای ایجاد گسست در صفوف دشمن و تقویت روحیه رزمندگان سپاه اسلام، است، این نوع عملیات که عمدتاً برای حفاظت از کشور اسلامی و کنترل دشمن از پیشروی، صورت می‌گیرد، یکی از اساسی‌ترین کارها در جنگ و در عرصه سیاست دفاعی نظام اسلامی است. از این رو، واکاوی و تبیین این عنصر در چارچوب فقه سیاسی مبتنی بر روش‌شناسی اجتهاد، امری ضروری به نظر می‌رسد. بر این اساس، حفظ کیان اسلام و سرزمین اسلامی و صیانت از آن در برابر تجاوز دشمنان، درگرو دفاع و به‌کارگیری انواع تاکتیک‌های جنگی و در صورت فراهم بودن شرایط، انجام عملیات استشهدادی است.

پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که آیا اساساً عملیات استشهدادی در منشور نظام اسلامی و سیاست دفاعی اسلام جایز است؟ فرضیه پژوهش این است که عملیات شهادت طلبانه به‌مثابه مقاومت قهرمانانه، از مستندات عام و خاص برخوردار است؛ لذا در عرصه امور دفاعی کشور اسلامی و فعالیت‌های جبهه مقاومت در فلسطین و سوریه و لبنان و در سایر کشورهای اسلامی علیه دشمن، راهگشا بوده و نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا خواهد کرد.

در این تحقیق علاوه بر شناخت چپستی و ماهیت عملیات استشهدادی، تمایز استشهداد با انتحار و ادله منع و جواز آن اعم از آیات و روایات و قواعد فقهی، با تکیه بر منابع دینی و با روش اجتهاد و خوانش متون، بررسی می‌شوند.

۲. مفهوم شناسی

۱-۲. ماهیت عملیات استشهادی

مقوله عملیات استشهادی یکی از مسائل دامنه‌دار و اساسی در حوزه دفاع بوده و تنقیح و تبیین احکام مربوط به آن، بر عهده فقه است. اصحاب لغت در تعریف مفهوم استشهاد چنین گفته‌اند: «شهادت یافتن یعنی کشته شدن در راه حق». (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۹، ص ۱۲۸۹۶) شهادت دو شاخص مهم دارد: یکی اینکه در راه خدا باشد یعنی هدف متعالی و مقدس باشد و در این راستا انسان بخواهد جان خود را در راه هدف متعالی فدا کند. دیگر اینکه آگاهانه و از روی علم صورت گرفته باشد. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۴، ص ۴۴۹) این عنصر در حفاظت از سرزمین و تقویت روحیه رزمندگان اسلام، نقش عمده‌ای دارد و به اقدامی گفته می‌شود که شخص مجاهد با نیت خالص و باهدف دفاع از کشور اسلامی به آن اقدام می‌کند و در این راه شهید می‌شود در تاریخ نمونه بارز این اقدام، حضرت امام حسین علیه السلام و یاران باوفای ایشان است. (ورعی، ۱۳۸۲: ص ۳۱۹). و در حقیقت عملیات استشهادی در ذیل جهاد دفاعی قرار می‌گیرد چون در راستای دفاع از وطن و کشور اسلامی به کار گرفته می‌شود و در متون فقهی بحث دفاع به‌عنوان یک عنصر مهم مورد توجه قرار گرفته است به‌گونه‌ای که در عرصه جهاد دفاعی، همه آحاد مردم حتی در صورت خطر جانی نسبت دفاع از سرزمین باید اهتمام داشته باشند. (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۱، ص ۱۹)

۲-۲. تمایز استشهاد با انتحار

مقوله عملیات استشهادی گرچه در نگاه سطحی با انتحار یکسان دانسته می‌شود اما شرایط و ویژگی‌هایی که در منابع و متون دینی برای این عملیات ذکر شده است آن را از انتحار متمایز کرده است. در شمس العلوم آمده: «الانتحار: انتحَر: إذا نَحَرَ نَفْسَهُ» انتحار از ریشه «نحر» است یعنی کسی خود را به کشتن دهد. (حمیری، ۱۴۲۰: ج ۱۰، ص ۶۵۲۴) در صحاح آمده: «انْتَحَرَ الرجل، ای نحر نفسه: مردی خودکشی کرد.» (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۸۲۴)

در باره معنای اصطلاحی انتحار گفته شده که انسان خود را به قتل برساند. در راستای بررسی الفاظ هماهنگ با انتحار می‌توان به واژه ذبح، اشاره نمود. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۳۱: ج ۱۷، ص ۳۴۴-۳۴۵). فقه از یک سو، خودکشی را به‌طور مطلق حرام می‌داند و از سوی دیگر، در فقه

شیعه، فتک (ترور) ممنوع است. (ر.ک. به: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۷۵) لکن این پرسش مطرح است که آیا کسی با علم یا ظن به اینکه در این راه کشته می‌شود، می‌تواند در عرصه و کارزار دفاع وارد شود و از سرزمین اسلامی و کیان اسلام دفاع کند؟

با دقت و امعان در مقوله عملیات استشهادی تمایز آن با انتحار از جهت انگیزه و هدف و آثار، روشن می‌شود زیرا در عملیات انتحاری و تروریستی، عامل انتحاری با انگیزه و هدف نامشروع و با اعمال خشونت و ارباب، مردم بی‌گناه را مورد هدف قرار می‌دهد. گرچه بعضاً از سوی برخی دولت‌های غربی، اهداف عامل انتحاری مشروع تلقی می‌شود. افزون بر این، غرض و هدف انتحار همیشه سیاسی نیست؛ بلکه ممکن است در این زمینه انگیزه‌های دینی هم دخیل باشد. در واقع، در اقدام‌های انتحاری فرد تروریست عمدتاً، به‌صورت پنهانی در اجتماعات و مراکز عمومی وارد می‌شود و عموم مردم، زنان و کودکان را قربانی می‌کند. اما در مقابل؛ شخص مجاهد در عملیات استشهادی با نیت خالص و در مقام دفاع از سرزمین اسلامی و باهدف قرار دادن نیروهای مسلح و نظامیان به آن اقدام می‌کند و با توده مردم کاری ندارد.

بر این اساس، عنصر عملیات شهادت طلبانه، از روی آگاهی و درراه دفاع از اسلام صورت می‌پذیرد و افزون بر باور شخصی، ادله معتبر شرعی و عقلی بر چنین عملی مهر تأیید می‌زنند، که در ادامه مورد عنایت قرار خواهد گرفت، ولی انتحار و اقدام تروریستی براساس اندیشه غلط، و اغلب با اهداف سیاسی، علیه توده مردم و غیرنظامیان صورت می‌گیرد و چنین رفتاری در متون دینی ما مورد نکوهش شدید قرار گرفته است.

مطابق همین منطق، تفاوت عملیات استشهادی و انتحاری به‌وضوح روشن می‌شود، و عملیات استشهادی از آن نظر که با مؤلفه دفاع انطباق دارد و صرفاً علیه نظامیان دشمن متجاوز صورت می‌گیرد، در شریعت مورد تأیید قرار گرفته است. بر این اساس، گرچه مقوله عملیات استشهادی در فقه شیعه، با تکیه بر ادله شرعی، قابل دفاع است، اما تروریسم انتحاری در عصر جدید که با توطئه دولت‌های غربی، توسط داعش و دیگر گروهک‌ها رخ می‌دهد به حوزه اسلامی منحصر نیست، بلکه دایره وسیعی را در بر می‌گیرد. (فیرحی، ۱۳۸۳: ص ۱۱۰)

براساس آموزه‌های شریعت و مستندات و ادله شرعی و عقلی تردیدی در حرمت انتحار وجود ندارد، در واقع، انتحار در فقه سیاسی شیعه مطلقاً ممنوع است و از گناهان کبیره محسوب می‌شود. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۳۱: ج ۱۷، ص ۳۴۸).

مقوله عملیات استشهادی در نگرش فقهی فقیهان به صورت مستقل عنوان نشده است اما با بررسی اجمالی می‌توان به این مطلب دست یافت که دست کم در این مسئله دو دیدگاه - (منع - جواز) یافت می‌شود که در ذیل، مستندات و ادله شرعی و عقلی آن دو، بررسی می‌شوند.

۳. ادله منع عملیات استشهادی

۳-۱. نقلی

در بیان عدم مشروعیت عملیات استشهادی به چندین آیه و شمار فراوانی از روایات استدلال می‌شود که در زیر نمونه‌هایی از آن‌ها مورد عنایت قرار می‌گیرد.

۳-۱-۱. آیات

قرآن کریم در آیه ۱۵۱ سوره انعام می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ: و نفسی را که خداوند محترم شمرده به قتل نرسانید، مگر به حق [و از روی استحقاق]. همچنین در آیه ۲۹ سوره نساء می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا: و خودکشی نکنید، خداوند نسبت به شما مهربان است». در این دو آیه قتل نفس، حرام شمرده شده است و از آنجاکه ممکن است عملیات استشهادی به عنوان مصداقی برای قتل نفس تلقی شود، در شریعت مجاز نخواهد بود.

در نقد این استدلال باید گفت این دو آیه، مطلق قتل نفس را مورد بحث قرار نداده، بلکه از آیه نخست، قصاص استثنا شده است؛ چراکه این نوع قتل با اجازه شرع صورت می‌پذیرد. و آیه دوم نیز به دلیل آیه «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا» (نساء: ۳۰) در مورد آن قتلی است که از روی ظلم انجام بگیرد. بر این اساس، اگر قتل، با انگیزه الهی و معنوی و در عرصه دفاع از وطن صورت بگیرد، آیات یادشده بر حرمت آن، دلالت نخواهند کرد. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۳۱: ج ۱۷، ص ۳۵۱). آیه دیگری که در راستای ممنوعیت عملیات استشهادی، مورد بحث واقع شده، آیه ۱۹۵ سوره بقره است: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ: خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید». البته اگر مقصود از «تهلکه» موت باشد، استناد به این آیه، صحیح است. (طنطاوی، بی تا: ج ۱، ص ۴۱۵/ اندلسی، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۲۳۱). در تبیین این مسئله باید گفت هر عملی که مرگ و نیستی آدمی را به دنبال داشته باشد، در شرع، حرام است و از آنجاکه نتیجه عملیات استشهادی مرگ و نابودی

است، لذا حرام خواهد بود. در اینجا می‌توان ادعا کرد که سیاق گزاره قرآنی فوق درباره کسی است که از جهاد و آماده شدن جنگی سستی کرده و از مجاهدان عقب‌افتاده، و در این حالت دشمن او را احاطه کرده و از پای درمی‌آورد.

علامه بلاغی در این باره می‌نویسد: «نهی در این آیه عام است و هر کاری را که منجر به هلاکت انسان شود، در برمی‌گیرد، لکن ناگزیریم این نهی را مقید کنیم به آن صورتی که اقدام به هلاکت همراه با حیات دین و نصرت آن نباشد، آن‌گونه که در نهضت پیامبر در اول دعوت و همچنین در اقدام سید الشهداء در امتناع از بیعت یزید، رخ داد و اقدام آن‌ها در راستای نصرت در دین بود.» (بلاغی، ۱۴۲۰: ج ۱، ص ۱۶۷). تأمل در عبارت ایشان نشان می‌دهد در صورتی که هلاکت و شهادت در راه نصرت اسلام و در برابر ظلم ظالمان باشد مطلوب است. البته در ادامه بحث، ادله جواز این مسئله به‌طور مبسوط مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱-۳. روایات

علاوه بر آیات یادشده، از برخی از روایات نیز برای عدم مشروعیت عملیات استشهادی استفاده می‌شود که در ذیل مورد اشاره قرار می‌گیرد:

روایت نخست: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ قَالَ: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَبْتَلَى بِكُلِّ بَلِيَّةٍ وَ يَمُوتُ بِكُلِّ مِيتَةٍ إِلَّا أَنَّهُ لَا يَقْتُلُ نَفْسَهُ» امام باقر علیه السلام می‌فرماید: مؤمن به هر بلایی مبتلا می‌گردد و به هر مرگی می‌میرد اما خودکشی نمی‌کند. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۹، ص ۲۴). از این روایت استفاده می‌شود که برای مؤمن خودکشی جایز نیست، حتی با انجام کاری که نتیجه آن خودکشی باشد. البته این حدیث از جهت ارزیابی سندی، ضعف دارد زیرا «ناجیه بن ابی عماره الصیداوی» نزد دانشمندان علم رجال توثیق نشده است. (حلی، ۱۳۸۱: ص ۱۷۶). علاوه بر ضعف سندی، از جهت دلالت، نیز روایت با مشکل مواجه است، زیرا ظاهر روایت مربوط به عملیات استشهادی نیست بلکه ناظر به قتل نفسی است که در آن، انسان برای رهایی از مصیبت‌ها و سختی‌های دنیا خودکشی می‌نماید و یا در رابطه با کسی است که بیماری سختی گرفته و از بهبودی آن ناامید است، و برای راحتی و درد نکشیدن خودکشی می‌کند که چنین مرگ و قتل نفسی نیز حرام است. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۳۱: ج ۱۷، ص ۳۵۲).

روایت دوم: عَنْ أَبِي وِلَادٍ الْحَنَاطِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يُقُولُ مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ

مُتَعَمِّدًا فَهُوَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: کسی که عمداً خودکشی نماید، جاودانه در آتش جهنم خواهد ماند». (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۹، ص ۲۴) طبق این روایت، برای مؤمن جایز نیست که خودکشی نماید، هر چند به واسطه کاری همانند: عملیات استشهادی، که نتیجه آن خودکشی باشد. این روایت از جهت ارزیابی سندی، صحیح است. (مجلسی، ۱۴۲۰: ص ۶۷) استدلال به این روایت، بر حرمت عملیات استشهادی ناتمام است زیرا این روایت، در مورد قتل نفس محض است نه قتل نفس به‌عنوان جهاد یا دفاع در برابر دشمن متخاصم که سرزمین اسلامی را مورد تجاوز قرار داده و احياناً قسمتی از آن را اشغال نموده است، بنابراین این روایت، شهادت و قتل در عرصه دفاع را در بر نمی‌گیرد. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۳۱: ج ۱۷، ص ۳۵۲).

۲-۳. عقلی

دلیل عقلی به‌عنوان یکی از مستندات برای ممنوعیت این نوع از عملیات به‌شمار می‌آید، چراکه همه صاحبان خرد و عقلای عالم بر وجوب حفظ نفس تأکید می‌ورزند، مطابق این معنا عملیات استشهادی جایز نخواهد بود. در این راستا ابن ادریس حلی می‌گوید: دفع مضار از نفس، به حکم عقل واجب است. (حلی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۲۲) صاحب کشف اللثام در بحث دفاع از نفس می‌نویسد: «دفع ضرر از نفس عقلاً واجب است». (اصفهانی، ۱۴۱۶: ج ۱۰، ص ۶۴۹) روشن است یکی از مصادیق بارز ضرر به نفس، مقوله عملیات استشهادی به‌شمار می‌آید، پس باید براساس حکم عقل از آن دوری جست.

۴. ادله جواز عملیات استشهادی

عنصر عملیات استشهادی می‌تواند تحت مسائلی چون تترس، حفظ کیان اسلام و سرزمین اسلامی قرار گیرد. به‌طورکلی عملیات استشهادی اهداف استراتژیک را به همراه دارد و بعضاً در شرایطی اتفاق می‌افتد که الزام دولت‌ها برای تغییر سیاست‌ها به غیر از این راه، میسر نیست، با این تفاوت اساسی که ویژگی عملیات استشهادی مطلقاً دفاعی است و لذا ذیل جهاد دفاعی قرار می‌گیرد. (فیرحی، ۱۳۸۳: ص ۱۱۳). با استفاده از مستندات دینی می‌توان اثبات کرد که فرایند عملیات استشهادی مجاهدان و رزمندگان اسلام، از آن نظر که در راستای دفاع از سرزمین و

نبرد با تجاوز و ظلم صورت می‌گیرد، مجاز است. در اینجا برخی از مستندات از نظر می‌گذرد.

۱-۴. نقلی

در خصوص مشروعیت عملیات استشهادی به برخی از آیات و روایات استدلال می‌شود که در ذیل نمونه‌هایی از آنها مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱-۱-۴. آیات

قرآن کریم در آیه ۱۹۰ سوره بقره می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ: و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید». در این آیه خداوند سبحان به مسلمانان برای جنگیدن در راه خدا دستور می‌دهد. و از آنجا که این آیه، قتال با دشمنان را به روش و شیوه خاصی محدود نکرده است، لذا بدون شک عملیات استشهادی نیز می‌تواند به‌عنوان یکی از طرق پیکار و نبرد با دشمنان تحت آیه قرار گیرد.

قرآن کریم در آیه شریفه ۱۱۱ سوره توبه می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمْ الْجَنَّةَ يقاتلونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ: خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به [بهای] این که بهشت برای آنان باشد، خریده است؛ همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند. [این] به‌عنوان وعده حقیقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است؟ پس به این معامله‌ای که با او کرده‌اید شادمان باشید، و این همان کامیابی بزرگ است».

این آیه نیز می‌تواند به‌عنوان دلیل برای جواز عملیات استشهادی مورد استناد قرار گیرد چراکه بذل جان و شهادت در راه خدا و دفاع از سرزمین و کیان اسلام از روشن‌ترین مصادیق جنگ با دشمنان اسلام است و عملیات استشهادی نیز از مصادیق چنین بذل جانی است. در اهمیت شهادت در راه دفاع از کیان اسلام این مطلب قابل توجه است که بهای جان انسان در این معامله با خدا، خشنودی ذات اقدس الهی دانسته شده است، با اینکه در موارد دیگر پاداش عمل انسان بهشت جاویدان و رهایی از دوزخ ذکر شده است. (مکارم، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۷۹).

قرطبی حمله مرد مسلمان به تنهایی به لشکری را جایز می‌داند البته مشروط بر اینکه قدرت

بر این عمل را داشته باشد و انگیزه الهی در میان باشد، همچنین مصلحت چنین عملی بر مفسده آن رجحان داشته باشد، در این صورت عمل او مورد رضایت خداوند خواهد بود. «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رثوف بالعباد». (قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۲، ص ۳۶۳). البته شکی نیست که این بیان، تنها جواز حمله به قلب دشمن را اثبات می‌کند و عملیات شهادت طلبانه را در برنمی‌گیرد؛ لکن عملیات استشهادی را از طریق وحدت ملاک با مسئله شهادت می‌توان استفاده نمود. زیرا شهید آن کسی است که در پیکار با دشمن به شهادت نائل می‌آید، و در عملیات شهادت طلبانه نیز شخص رزمنده در عرصه دفاع با انگیزه الهی و با هدف ضربه زدن به دشمن اقدام می‌کند و با ایجاد رعب و وحشت در دل دشمن، زمینه تقویت روحیه مسلمانان و پیروزی جبهه حق را فراهم می‌سازد.

زحیلی در این باره می‌نویسد: «دانشمندان علوم اسلامی در خصوص این نوع عملیات، اختلاف دارند برخی از باب انداختن نفس در هلاک دانسته و حکم به حرمت داده‌اند، و گروهی دیگر مجاز شمرده‌اند.» ایشان در ادامه چنین اظهار می‌دارد: «گروهی از مالکی‌ها بر این باورند که حمله یک نفر به سپاه عظیم در صورت داشتن قدرت و نیت خالص جایز است، در غیر این صورت جایز نیست. دیدگاه دیگری در اینجا وجود دارد و آن اینکه با دو شرط جایز است یکی طلب شهادت و دیگری نیت خالص، زیرا در این صورت مصداق این آیه خواهد بود: «وَمَنْ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ». (بقره: ۲۰۷) ایشان در ادامه با استناد به حدیثی از پیامبر اسلام به‌عنوان تأیید سخن خود، می‌گوید: «هرگاه عامل استشهادی با انگیزه الهی و یا در مقام منفعت رساندن به مسلمانان و یا به جهت ایجاد رعب و وحشت در میان دشمنان اقدام به چنین عملی کند، عمل او جایز است.» (زحیلی، ۱۴۱۸: ج ۲، صص ۱۹۰-۱۹۱)

در تفسیر الکاشف چنین آمده: «هرگاه در قتل نفس و قربانی کردن آن مصلحتی نهفته باشد، جایز است چراکه نفع رساندن به سرزمین و مردمان آن، از حیات انسان اهم و بالاتر است، بلکه اساساً این عمل نزد خدا و توده مردم نیز موردستایش است.» (مغنیه، ۱۴۲۴: ج ۲، ص ۱۲۴). هم‌او در جای دیگر از تفسیر خود با تحسین عملکرد رزمندگان مقاومت فلسطین در انجام عملیات استشهادی در برابر دشمن صهیونیستی می‌گوید: امروزه کسانی که در برابر صهیونیست که دشمن خدا و انسان‌ها هستند، مبارزه می‌کنند، مصداق اتم و اکمل آیه، ۱۱۱ سوره توبه، و عامل به این آیه هستند. (همان: ج ۳، ص ۴۹۴).

تا اینجا ادله‌ای که مورد عنایت قرار گرفت به‌عنوان مستندات خاص قابل ارزیابی بودند؛ لکن برای اثبات جواز عملیات شهادت طلبانه می‌توان به عمومات و اطلاقات؛ نظیر آیات مرتبط با جهاد و قتال در راه خدا نیز تمسک نمود، البته منوط به اینکه مخصوص و معارض قابل توجهی وجود نداشته باشد که بتواند عمومات و اطلاقات را به غیر این مورد، اختصاص دهد. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۳۱: ج ۱۷، ص ۳۵۳).

۱-۲-۴. روایات

در گفتار و سیره عملی پیامبر اسلام صلی الله و علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام روایات فراوانی وارد شده که نشان می‌دهد که آن ذوات مقدسه در عرصه‌های گوناگون و در راستای صیانت از کیان جامعه و کشور اسلامی بر اهمیت جهاد در راه خدا و فضیلت شهادت تأکید داشتند. همچنین در متون روایی و منابع دینی روایاتی در باب لُصّ محارب آمده که با بحث جهاد دفاعی هم‌افق بوده و پشتوانه فتاوی فقیهان در عرصه دفاع قرار گرفته است و عملیات شهادت طلبانه با عنایت به اینکه مؤلفه شهادت و دفاع را همراه دارد می‌تواند به‌عنوان مصداق جهاد و دفاع تحت آن روایات قرار گیرد که برخی از آن‌ها از قرار ذیل است.

۱. «عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ كَانَ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَطْرَةٍ دَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: إمام باقر علیه السلام می‌فرماید: هیچ قطره‌ای نزد خدا دوست داشتنی‌تر از قطره خونی که در راه خدا ریخته می‌شود، وجود ندارد». (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۵، ص ۱۴). در ارزیابی سندی این روایت،

می‌توان گفت که این روایت، موثق و قابل استناد است. (خویی، ۱۴۱۳: ج ۱۴، ص ۱۷۷)

۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ بَرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ: بالاتر از هر نیکی، نیکی دیگری قرار دارد تا آن‌که مردی در راه خدا کشته شود. پس هنگامی که در راه خدا کشته شد، هیچ نیکی فراتر از آن نیست». (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۱، ص ۵۰۱). در ارزیابی سندی می‌توان این روایت را موثق دانست. (خویی، ۱۴۱۳: ج ۱، ص ۲۹۱؛ حلی، ۱۴۱۱: ص ۱۹۹)

گرچه ممکن است این روایات به علت عمومیت از قابلیت استناد به‌طور خاص، برخوردار نباشند لکن از باب مؤید می‌تواند در فرایند استنباط مورد عنایت باشند.

۳. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «إِذَا دَخَلَ عَلَيْكَ اللَّصُّ الْمَحَارِبُ فَاقْتُلْهُ: هرگاه دزد محارب بر تو وارد شد او را بکش». (عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۵، ص ۱۲۱). از این روایت بحث دفاع به روشنی استفاده می‌شود گرچه این حدیث در مقوله دفاع فردی و در باب برخورد با دزد محارب مورد توجه است، ولی می‌تواند به جهت وحدت ملاک در عملیات استشهادی، هم قابل استناد باشد.

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَظْلَمَتِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ: کسی که نزد مظلومه اش (آن چیزی که با شخص ظالم در مورد آن درگیر می‌شود) کشته شود، شهید است». امام باقر علیه السلام این روایت را از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گزارش نموده و سپس به یکی از یاران خود می‌فرماید: «یا ابا مریم، هل تَدْرِي مَا دُونَ مَظْلَمَتِهِ؟ قُلْتُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ الرَّجُلُ يُقْتَلُ دُونَ أَهْلِهِ وَ دُونَ مَالِهِ وَ اشْبَاهَ ذَلِكَ، فَقَالَ: يَا اَبَا مَرْيَمَ، اِنَّ مِنْ الْفَقْهِ عِرْفَانُ الْحَقِّ: ای ابا مریم، آیا می‌دانی مفهوم «مظلومه» چیست؟ گفتم: جانم فدای تو باد! مراد این است که شخصی نزد اهل و عیال، مال خود و مانند آن کشته شود. فرمود: یا ابا مریم، شناخت حق از (جزو) فقه است. (یعنی آگاهی به مسائل دینی است). (عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۵، ص ۱۲۱). تأمل در این روایت نشان می‌دهد که هرگاه کسی از سوی شخص متجاوز مورد حمله قرار گرفت، مبارزه و برخورد جدی با آن در راستای دفاع از نفس و حریم و مال، حتی با احتمال و ظن بر کشته شدن در این راه، جایز است و از آنجاکه مقوله عملیات استشهادی با مورد این روایت، هم‌افق است می‌تواند در فرایند استدلال مورد توجه باشد.

۲-۴. عقلی

در متون دینی و منابع شریعت درباره جواز عملیات استشهادی علاوه بر مستندات نقلی می‌توان به حکم عقلی استدلال کرد که در ذیل بررسی می‌شود.

۱-۲-۴. اهم و مهم

قاعده اهم و مهم می‌تواند به‌عنوان مستند مقوله عملیات استشهادی قرار گیرد، چراکه ضابطه تراحم مصلحت اهم و مهم، در گستره فقه به حدی از اهمیت برخوردار است که می‌توان از آن، به‌عنوان یکی از ارکان پویایی فقه یادکرد بلکه این عنصر در حل مسائل مختلف راهگشا بوده

و در برون رفت از معضلات نظام اسلامی و تسهیل امور زندگی مؤمنان، تأمین اهداف غایی، ضرورت‌های ناشی از مشکلات اداره جامعه و چالش‌های گوناگون نقش اساسی دارد.

در این راستا شیخ انصاری در کتاب مکاسب به فرایند تقدیم اهم بر مهم اشاره کرده، و چنین اظهار می‌دارد که اگر در غیبت نمودن، کسی، مصلحتی در میان باشد، که عقلاً یا شرعاً آن مصلحت، بزرگ‌تر و بااهمیت‌تر از مصلحت احترام مؤمن باشد، در این صورت واجب است که بر طبق مصلحت اهم عمل کرد، آن‌گونه که در دیگر گناهان نیز حکم از همین قرار است. (انصاری، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۳۴۲) بنابراین، به عقیده شیخ انصاری ضابطه کلی در محرمات چنین است که در صورت تراحم مصلحت مهم با اهم می‌بایست با اهتمام به «اهم» از «مهم» چشم‌پوشی کرد. به‌عنوان نمونه اگر نجات‌غریق موقوف باشد بر اینکه در خانه مردم بدون اذن وارد شده و یا در اموال آنان تصرف کنیم، از آنجاکه مصلحت حفظ نفس اهم است، ورود در خانه مردم و یا تصرف در اموال آنان مجاز شمرده می‌شود یا اینکه نگاه کردن به نامحرم حرام است؛ ولی اگر معالجه و درمان بیمار، بدون نگاه میسور نیست، به‌طور یقین حلال می‌شود.

باید افزود که این قاعده در علم اصول مورد عنایت قرار گرفته و مورد قبول همگان است و در آثار برخی از فقیهان معاصر از آن به‌عنوان یکی از قواعد فقهی یاد شده است. (مکارم، ۱۴۲۲ ق، ص ۵۰۵). بدون شک، می‌توان ادعا کرد که عملیات استشهادی می‌تواند تحت این قاعده قرار گیرد چراکه رزمندگان جبهه مقاومت و مسلمانانی که سرزمینشان مورد تعدی و تجاوز بیگانگان قرار می‌گیرد و برای دفع تجاوز دشمن ناگزیرند که یکی از این دو واجب ذیل را اختیار کنند:

۱. دفاع از کشور اسلامی.

۲. حفظ جان.

و از آنجاکه مصلحت و اهمیت دفاع از سرزمین اسلامی، و کیان اسلام یک مصلحت اجتماعی بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و بر حفظ نفس که یک مصلحت فردی است رجحان دارد، باید دفاع از وطن، و کشور اسلامی به‌مثابه مقاومت قهرمانانه بر حفظ جان مقدم داشته شود.

۲-۲-۴. ضرورت و اضطرار

به نظر می‌رسد در صورتی که استناد به ادله اولی اعم از آیات و روایات مورد مناقشه قرار گیرد می‌توان براساس ادله ثانوی و قاعده «الضرورات تبیح المحظورات» عمل استشهادی را توجیه

نمود، زیرا عامل این نوع عملیات، در صورت تحقق موضوع اضطرار، می‌تواند برای جلوگیری از ضرر بزرگ‌تر، نفس خود را در معرض خطر قرار دهد. این قاعده در فقه مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا شیخ انصاری در کتاب گران سنگ مکاسب یکی از ادله جواز کذب را ضرورت و اضطرار می‌داند. (انصاری، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۲۱). بر این اساس، در صورت تحقق عنوان اضطرار و ضرورت این نوع عملیات مجاز خواهد بود. البته توجه به این نکته لازم است که این قاعده می‌تواند به صورت یک حکم عقلی یا عقلایی مطرح شود چراکه سیره عقلا به شخص مضطر اجازه می‌دهد که عمل ممنوع را به جهت اضطرار انجام دهد و این سیره مورد امضای شارع نیز قرار گرفته است. (شریعتی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۶)

افزون بر این، در گزارش‌های تاریخی نمونه‌هایی از این دست عملیات، یافت می‌شود مثل این جریان که یکی از اصحاب در جنگ بدر به پیامبر اسلام صلی‌الله‌و‌آله‌ع‌و‌س‌و‌آله‌و‌س‌و‌آله‌و‌س‌و‌آله عرض کرد: «ای رسول خدا! چه عملی از بنده، پروردگار عالم را خشنود می‌کند؟ فرمود: فرورفتن او در میان لشکر دشمن، در حالی که برهنه است». (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۹، ص ۳۳۹). در منابع تاریخی آمده است که آن مسلمان با شنیدن این سخن از سوی پیامبر، سپر خود را بر زمین انداخت و آن اندازه جنگ کرد تا اینکه به شهادت نائل آمد. تأمل در گزارش‌های تاریخی و منابع دینی نشان می‌دهد که هرگاه کسی در مقام دفاع و به‌تنهایی به قلب سپاه دشمن حمله کند، و در این عمل نیت خالص الهی داشته باشد و با این اقدام گروهی از سپاهیان دشمن را هلاک کرده و با ایجاد رعب در دل دشمنان، موجب تقویت روحیه در جبهه مسلمانان شود، چنین فعلی جایز است؛ چراکه طلب شهادت در عرصه دفاع، امری مورد تأیید شریعت بوده و نیازی به ترتب آثار دیگر ندارد.

باید افزود در نگاه فقهی قدما این مسئله مطرح نشده است؛ اما می‌تواند تحت برخی عناوین فقهی قرار گیرد و یا از مناظ فروع دیگر، برای این مسئله استفاده کرد، به‌عنوان نمونه علامه حلی می‌نویسد: «اگر احتمال قوی دهد بر اینکه در جنگ اسیر خواهد شد، بهتر این است که تن به اسارت ندهد و آن قدر بجنگد که شهید شود و خود را برای اسارت تسلیم نکند تا در اسارت گرفتار کفار نشود و مجبور نگردد به استخدام آنان درآید». (حلی، ۱۴۱۴: ج ۹، ص ۵۹). باید اضافه کرد که فقیهان معاصر در کتب استفتائی خویش متعرض این مسئله شده‌اند که برای تکمیل بحث در ذیل، چند نمونه بیان می‌شود.

امام خمینی ره در جریان شهادت شهید حسین فهمیده، که در عملیاتی استشهادی به شهادت نائل آمد، فرمود: «رهبر ما آن طفل دوازده ساله‌ای است که با قلب کوچک خود که ارزشش از صدها زبان و قلم ما بزرگ‌تر است، با نازنجک خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید». (خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱۴، ص ۷۳). در این راستا مقام معظم رهبری مدظله در پاسخ به سؤالی در این خصوص می‌نویسد: «... اگر مکلف طبق تشخیص خود، احساس کند که کیان اسلام در خطر است، باید برای دفاع از اسلام، قیام کند، حتی اگر در معرض کشته شدن باشد». (خامنه‌ای، ۱۴۲۴: ص ۲۲۸) تأمل در این فتوا به وضوح نشان می‌دهد که ریختن خون، به مناط دفاع از کیان اسلام و سرزمین اسلامی، مجاز است آن‌گونه که رزمندگان اسلام در فلسطین به جهت دفاع از سرزمین خود، در برابر دشمن صهیونیستی انجام می‌دهند. همچنین آیت‌الله مکارم می‌نویسد: «در صورتی که مردم فلسطین برای دفاع از خود راهی جز این کار نداشته باشند، جایز است». (مکارم، ۱۴۲۷: ج ۳، ص ۳۵۳). از مجموع فتاوی چنین استفاده می‌شود که اکثر فقیهان عملیات استشهادی را در صورت تحقق عنوان دفاع از سرزمین و یا اضطرار مجاز دانسته‌اند.

نتیجه‌گیری

یکی از فعالیت‌های مهم در عرصه سیاست دفاعی اسلام، مقوله عملیات استشهادی است که با انگیزه الهی و معنوی در راستای دفاع از کشور اسلامی، صورت می‌گیرد، البته شاید چنین به نظر برسد که عملیات استشهادی، همان انتحار است لکن در این نوشته تمایز این دو، به وضوح تبیین گردید که این دو تفاوت‌های اساسی دارند، زیرا انتحار با ارباب و خشونت در بین توده مردم بی‌گناه صورت می‌گیرد و غالباً با اهداف شخصی، گروهی و یا با اهداف سیاسی واقع می‌شود، اما در عملیات استشهادی، استشهاد کننده در راستای دفاع از اسلام با تکیه بر خداوند در عرصه مبارزه با تجاوز و ظلم گام می‌نهد و با هدف قرار دادن نظامیان متجاوز به هدف متعالی نائل می‌شود.

نکته اساسی در نگاه فقه سیاسی به این مسئله، جنبه دفاعی بودن آن است، اکثر فقیهان در متون فقهی، دفاع از کیان اسلام و سرزمین اسلامی را جایز شمرده‌اند که عملیات شهادت طلبانه هم به مثابه دفاع قهرمانانه در این راستا ارزیابی می‌شود.

باید مدنظر قرار بگیرد اساس دین اسلام، بر محور مهربانی و عطف استوار است و لذا در حال جنگ، کشتن زنان و کودکان و رفتارهای غیرانسانی جایز نیست و در واقع، فلسفه جنگ در اسلام، هم برای دفاع و در صورت ضرورت است.

براساس یافته‌های این تحقیق، عملیات استشهادی از یک سو مستنداتی چون، دفاع از کشور اسلامی و اهم و مهم و اضطرار دارد و از سوی دیگر تحت اطلاقاتی از آیات و روایات می‌تواند قرار بگیرد که جواز عملیات استشهادی را در شرایط خاص مورد تأیید قرار می‌دهند. به عبارت دیگر؛ هرگاه عملیات استشهادی در راستای دفاع از سرزمین و در صورت ضرورت و اضطرار باشد، جایز خواهد بود. از این رو، اگر ادله نقلی به عنوان حکم اولی، از جهت دلالت به نحوی مورد مناقشه قرار گیرند، می‌توان براساس منطق قاعده ضرورت و اضطرار جواز این مقوله را اثبات کرد. البته باید مدنظر داشت در صورتی که موضوع ضرورت یا اضطرار فراهم نشود، باید براساس اصل احتیاط از این کار خودداری نمود، چراکه عمل به احتیاط در بحث دما با مذاق شریعت، سازگارتر است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. اندلسی ابو حیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ ق). البحر المحيط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر.
۳. ابن زهره، حمزه بن علی حسینی (۱۴۱۷ ق). غنیه النزوع، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۴. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ ق). کتاب المکاسب قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری (ره).
۵. بلاغی نجفی، محمدجواد (۱۴۲۰ ق). آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: بنیاد بعثت.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ ق). الصحاح، بیروت: دار العلم للملایین.
۷. جمعی از پژوهشگران (۱۴۳۱ ق). موسوعة الفقه الاسلامی، قم: مؤسسه دائرة المعارف معارف الفقه الاسلامی.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۹. حلّی، علامه، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ ق). تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۰. حلّی، علامه، حسن بن یوسف (۱۳۸۱ ق). خلاصة الاقوال، نجف: منشورات المطبعة الحیدریة.
۱۱. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ ق). شمس العلوم، بیروت: دار الفکر.
۱۲. خامنه‌ای، سید علی (۱۴۲۴ ق). أجوبة الاستفتاءات، قم: انتشارات دفتر مقام معظم رهبری.
۱۳. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۴. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ ق). معجم رجال الحدیث، بی‌نا.
۱۵. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. زحیلی، وهبة بن مصطفى (۱۴۱۸ ق). التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، بیروت: دار الفکر.
۱۷. شریعتی، روح‌الله، (۱۳۸۷). قواعد فقه سیاسی؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی،
۱۸. طنطاوی، سید محمد (بی‌تا). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، بی‌جا.
۱۹. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق). کشف اللثام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. فیرحی، داود (۱۳۸۳). دفاع مشروع، ترور و عملیات استشهادی، مجله شیعه شناسی، سال دوم، شماره ۶.

۲۱. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق). الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۲۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۲۰ ق). الوجيزة فی الرجال، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۲ ق). بحوث فقهية هامة، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ ق). استفتاءات جدید، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۲۹. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ ق). تفسیر الکاشف، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۰. نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴ ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۱. ورعی، محمدجواد (۱۳۸۲). مبانی فقهی عملیات شهادت طلبانه، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۲۷.